



ابراهيم صهب

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

حافظ

PIR

دیداری

از

ویرانه های خراسان



دیماه - ۱۳۴۷

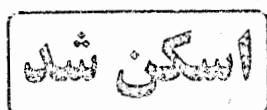
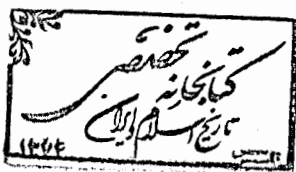
۲۵۴

بگذرد این روز کار تلخ تر از هر

۱۳۴۴۷

بار دیگر روزگار چون شک

PIR
۱۳۶۶✓



ای دل از سیل فنا بنیاد هستی بر کند
چون تور را نوحست کشتی بان، ز طوفان غم مخور

« حافظ »

مقدمه

مصائب بیشماری که بر اثر زلزله دهشتناک خراسان نصیب مردم آن سامان و هموطنان عزیز گردید بحدی عظیم و جانگداز بود که هرگز خاطره درد ناک آن فراموش نخواهد شد.

من که خود از آن دیار بر خاسته ام بحکم علاقه و آشنائی، بیش از سایر شعرا و گویندگان از این مصیبت جانکاه متأثر شده و همدردی نمودم. حاصل این تأثر اشعاری بود که بهمین مناسبت سروده و در کتابی بنام « ناله ای بر ویرانه های خراسان » چاپ و منتشر کردم.

هر کسی بخشد مصیبت دیدگان را هدیه ای
هدیه شاعر دریغا اشک و آهی بیش نیست

باید اذعان کنم که بهیچوجه تصور نمیکردم هدیه ناقابل من که به مصیبت زردگان خراسانی تقدیم شد تا این حد مورد توجه مقامات مختلف مملکتی و هموطنان عزیز قرار گیرد که شاهنشاه بزرگ آریامهر و شهبانوی مهر-بان هم مرا مورد عنایت و تفقد قرار دهند.

درست است که این ناله ها ازدلی سوخته و جانی افروخته بیرون آمده بود ولی این تقدیر نامه های پی در پی و استقبال روز افزون مردم حقا ً بیش از انتظار من و طبع ناتوانم بود .

اگرچه خود میدانم که این تأثیر حیرت بخش نتیجه ً سروده ها و گفته های من نیست بلکه نشانه ً احساسات عالی و پاك هم میهنان نوعپرست در جهت دلسوزی و همدردی با زلزله زدگان بلا دیده میباشد، معینا ً برای من نیز افتخار بسیار بزرگی محسوب میشود .

از جزوه های چاپ شده تعداد زیادی به خراسان فرستاده شد ، دویست نسخه بوسیله انجمن قلم بمراکز بین المللی قلم و دویست نسخه نیز توسط شیر و خورشید سرخ ایران بتمام نقاط کشور ارسال گردید . اما سیل نامه ها و درخواست های متعدد نشان داد که این تقسیمات بهیچوجه کافی نبوده است .

گرچه کالای شعر ارزان است لیک خواهان آن فراوان است

ازطرفی بعد از چاپ این مجموعه اقدامات بزرگی در راه رفاه و کمک به مصیبت- زدگان خراسان بعمل آمد و نوسازی در اغلب نقاط زلزله زده آغاز گردید . سفر های امیدبخش شاهنشاه آریامهر و شهبانوی مهربان و والا حضرت نیکوکار شمس پهلوی و دستورات مؤکدی که در زمینه های آسایش مردم صادر فرمودند زلزله زدگان را بآینده خود بسیار امیدوار نمود .

بسیاری از مقامات مؤثر مملکت از قبیل رئیس دولت ، رئیس مجلس شورای ملی ، وزیر دربار شاهنشاهی ، چند تن از وزرا ، مدیر عامل شیر و خورشید سرخ ایران ، عده ای از سناتورها و نمایندگان مجلس ، مقامات مختلف انتظامی ، ارباب مطبوعات و جماعت زیادی از مردم نیکوکار نیز بنوبه ً خود بآن سامان رفته و در کمک بزلزله زدگان شرکت نمودند .

اینجانب نیز در سفر اخیر که سرکار علیه بانوفریده ً دیبا مادر گرامی شهبانوی ایران بسناطق زلزله زده نمودند و کلنگ نوسازی فردوس و گناباد را بزمین زدند افتخار حضور داشتم و از نزدیک شاهد احساسات پاك مردم بودم .

وقتی آقای د کترینک پی وزیر آبادانی ومسکن ازطرف دولت مرده مسرت بخشی داد که پنج ماهه ونیم دیگر خانه های دولتی ساخته و تحویل خواهد شد برق خوشحالی در چشم ها درخشید : این سر شوریده باز آید ب سامان غم مخور

من نیز در همان روز که خوشبختانه عید فطر و جشن مسلمانان بود با لهام و تضمین یکی از غزلیات حافظ شیرین زبان، اشعار مناسبی درباره تقویت روحیه و غلبه بر مشکلات سروده و برای آنها خواندم که مورد توجه کاملشان قرار گرفت .

این اشعار در ضمن مصاحبه ای که توأم بامشاهدات و خاطرات سفر اخیرم بود از رادیو مشهد در ضمن اخبار خراسان پخش گردید .

در این سفر علاوه بر قصیده ای که بمناسبت آغاز نوسازی فردوس و گناباد ساختیم ، در تحت تأثیر مناظر وحشت زای آن سامان و اهالی مصیبت زده وجد و جهد سازمانهای خیریه و مردم نیکوکار اشعار دیگری نیز سروده شده که درجراید بچاپ آنها اقدام گردید .

در آنجا من وقتی شنیدم بعضی از همولایتی ها چنانکه باید و شاید برای تجدید آبادانیها کمتر همکاری میکنند بسیار متأثر شدم و پیام گله آمیز شاعرانه ای برای آنها فرستادم که در روزنامه ها انتشار پیدا کرد . ولی وقتی بانوی نیکوکار متشخصی را دیدم که بدون ذره ای توقع قریب یکماه ونیم در سرمای زمستان در آن حوالی مانده و « مهدکودك » را که منتسب به سازمان خیریه فرح پهلوی است سرپرستی مینماید دچار حیرت و شگفتی فراوان شدم .

بطوریکه میگفتند بانوان نیکوکار دیگری هم که از خاندان های مشهور هستند مرتباً از این نقاط سرکشی کرده ، بکار کودکان بی سر پرست رسیدگی می نمایند .

گرامادر خویش کودکی داد ز دست

ورپشت وی از بار مصیبت بشکست

غم نیست که با همت نیکو کاران

غمخواز تر از مادر دلسوزش هست

از آنجا که کتاب «ناله‌ای بر ویرانه‌های خراسان» کمیاب شده و اشعار دیگری هم که بعداً در این زمینه ساخته شده شاید در روحیه بعضی از هموطنان عزیز بی تأثیر نباشد، اینک بنا به تقاضای عده زیادی از علاقمندان، مجموعه کامل این اشعار را بنام «دیداری از ویرانه‌های خراسان» باعکس‌های مربوطه در دسترس ادبخواهان و میهن پرستان میگذارم.

امید است این خدمت نا قابل هم مورد پسند آنها واقع گردد.

در خاتمه بنام یک فرد خراسانی و یک شاعر ایرانی وظیفه دار هشتم مراتب حقشناسی بی پایان خود و هموطنان خود را از آن همه توجه و عنایتی که شاهنشاه آریا مهر و شهبانوی مهربان نسبت به زلزله زدگان خراسان ابراز داشته‌اند به ساحت مقدسشان تقدیم و از اینکه شاعر خدمتگزاری را که تاحدی وظیفه میهنی و اجتماعی خود را نسبت به هموطنان خویش انجام داده است مورد کمال توجه و عنایت قرار داده اند از صمیم قلب سپاسگزاری نمایم.

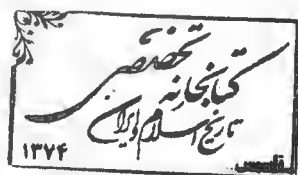
سلامت بدارد خداوند یکتا شهنشاه و شهبانوی مهربان را

از عموم سروران، دانشمندان، دوستان و علاقمندان از رئیس محترم دولت تایک فرد عادی ملت که با احساسات پاک خود بزلزله زدگان کمک کرده و مرا نیز در سرودن این اشعار تشویق فرموده اند تشکر فراوان دارم زیرا لطف بیدریغ آنها بود که مرا به تجدید چاپ این مجموعه وادار نمود.

اگر بعضی از تقدیر نامه‌های آنها را نیز با کمال سربلندی و افتخار در آخر کتاب منعکس نموده‌ام از جهت آنست که توجه مقامات مختلف مملکت و مردم نیکوکار را نسبت به این قبیل آثار میهنی و اجتماعی یادآور شده مراتب حقشناسی خود را بآن بزرگواران و دانشمندان تقدیم نموده باشم.

هر آنکه جانب اهل وفا نگهدارد

خداش در همه حال از بلا نگهدارد



شاهنشاه آریامهر و شهبانوی مهربان در میان زلزله زدگان

شماره ۲۰۰۰ / ۱۳۳۱

تاریخ ۱۳۳۱ / ۱۲ / ۱۰



دربار شاهنشاهی

جناب آقای ابراهیم صهباشاهی و گرانمایه

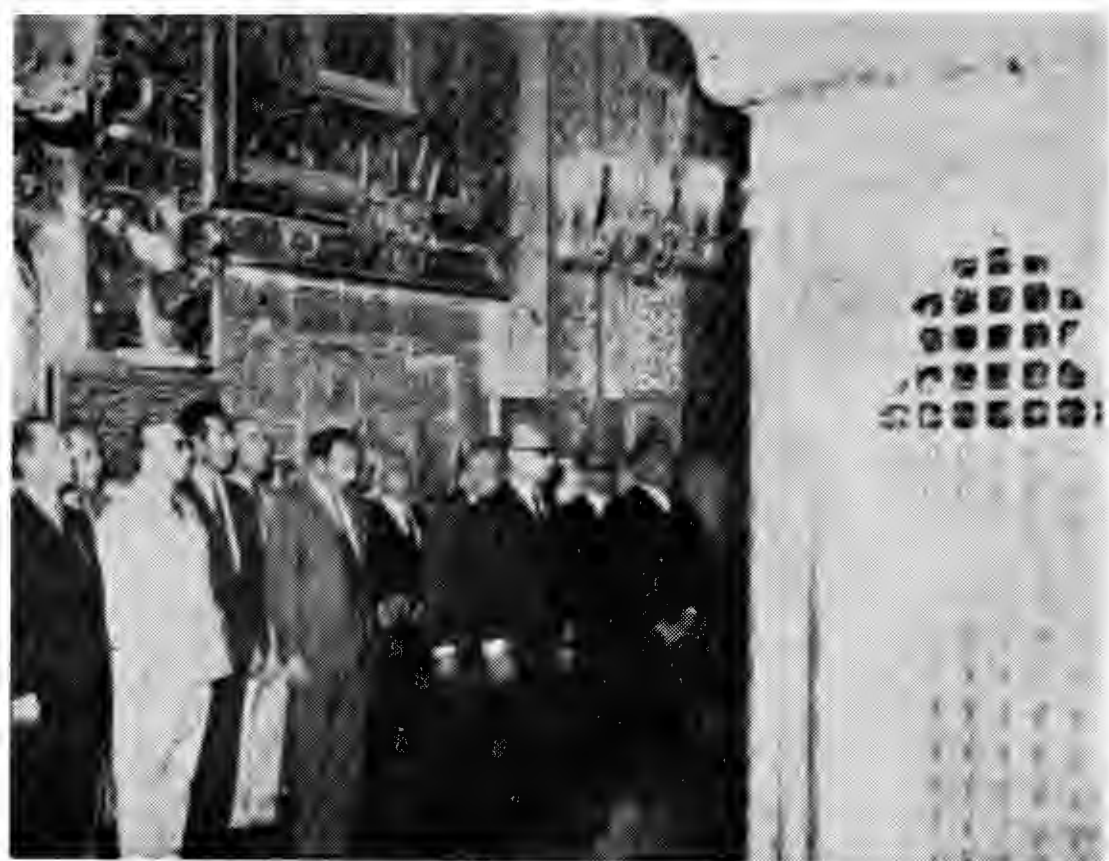
احتراماً و بچشم شایسته خوان نالبدای تبریک و تهنیت بفرموده میسر شد که شما را
از احسان و مودت انسانی همسایان گرامی و در صفت عظیم و زنده خراسان پادشاه
تخت و احسان و مودت انسانی در تهنیت و تبریک و تهنیت و تبریک و تبریک
برای فردا و تقاضای که به شما بابت سرودن آثار و تهنیت و تبریک و تبریک
از شما و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک
و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک و تبریک

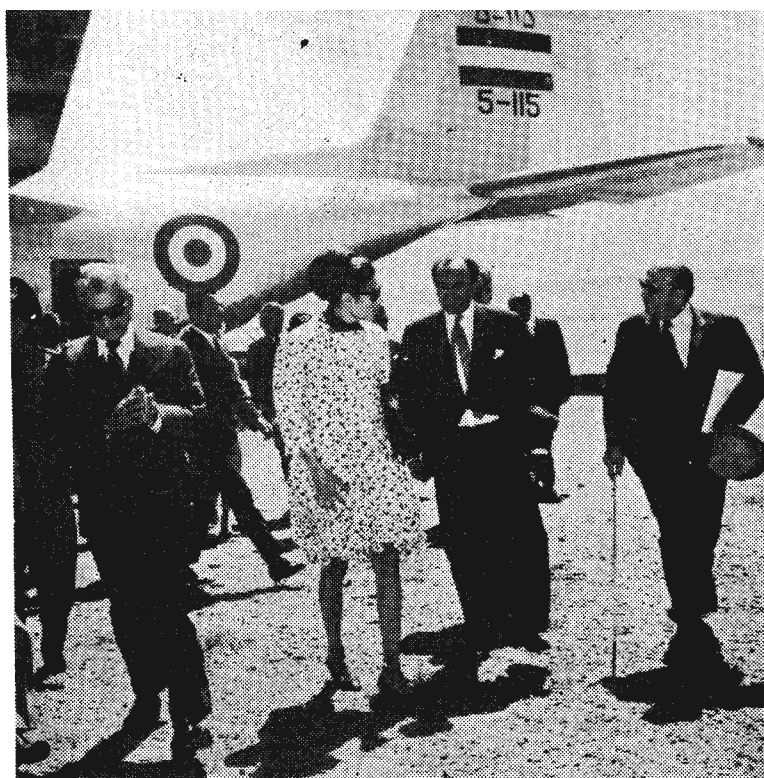
دربار شاهنشاهی - امده علم

آقای ابراهیم صبا

مجموعه نظم و شراهدائی به پیشگاه مبارک علیا حضرت فرح پهلوی
شهبانوی ایران تقدیم شد و موجب خوشوقتی خاطر خطیر علیا حضرت
معظم لها گردید .

دفتر مخصوص علیا حضرت شهبانوی ایران





از زلزله ویران شد اگر میهن ما
شد تیره و تار دیده روشن ما
گر خشت و گل و خانه ما گشت خراب
غم نیست به پیش عزم چون آهن ما



شهر ویران شده‌ای در خراسان

نااه ای بر ...

بر این رواق زبرجد نوشته اند به زر
که جز نکوئی اهل کرم نخواهد ماند
«حافظ»

نمیدانم چه اثر سحرانگیزی در کلمه زیبای «وطن» یا «میهن» نهفته است که بمحض
اینکه ببینیم یا بشنویم کوچکترین صدمه یا لطمه‌ای به آن وارد آمده است بی اختیار دچار
اندوه و ملال میشویم .
اگر در بهترین نقاط دنیا زندگی کنیم و همه وسایل رفاه و آسایش برای ما فراهم
باشد باز بیاد آن روستای کوچکی هستیم که دوران کودکی تلخ و شیرین ما را دربر گرفته
است .
هیچ خاطره دلپذیری بقدر خاطره وطن مألوف و میهن عزیز در قلب ما ریشه ندوانیده
است .
سالها پیش وقتی من جلد اول دیوان خود را چاپ کردم این شعر را در آن بیادگار
گذاشتم :

با دلی پر آرزو سوی وطن رو کرده ام
و از گرامی خاک پاکش کسب نیر و کرده ام
زادگاه من خراسان است و خاک «محوالات»
زین سبب باشوق وافر رو بدانسو کرده ام

اگر وطن و میهن اینقدر عزیز است پس خانه ، خانه و زندگی که انسان عمر گرانبهای خود را در آن صرف میکند و با درودیوار و خشت و گلتش انس میگیرد چقدر دوست داشتنی و دلانگیز است ؟

خانه ، ای مهد شادکامی من	که شب و روز دیده گاه منی
با تو پیوند جاودانه مراست	زانکه در زندگی پناه منی

چون به خشت و گلت نگاه کنم	بینم آثار رنج و راحت خویش
درو بامت به من سخن گوید	در تو جویم نشان ز حمت خویش

ممکن است در خانه یا وطن مألوف بکسی خوش نگذرد و تلخکامی ببیند ولی باز همان علاقه باطنی بجا است و خانه خود را بر بهشت دیگران ترجیح میدهد .

تلخکامی رود ز خاطر من	کز تو ام خاطر ات شیرین است
تازه گردد ز دیدنت جانم	که مرا با تو انس دیرین است

گر کبوتر پرد بام سپهر	باز پابند آشیان باشد
لانه اش گر خس است و گر خاشاک	بهر او به ز گلستان باشد

حال اگر از جفای روزگار و قهر طبیعت آن خانه مألوف با خاک یکسان گردید و آن میهن عزیز دچار ویرانی شد معلوم است دیگر چه حالی به انسان دست میدهد .

شد خراب ار خانه همسایگان شیون کنیم
چون کنیم از بر سرما خانه ما شد خراب ؟

آری ، زلزله با تمام دهشت و وحشت خود بر میهن عزیز ما فرود آمد ، بسیاری از نواحی خراسان را با خاک یکسان کرد و خانه های مردم را خراب نمود .
کاخک ، فردوس ، دشت بیاض و بین آباد به تلی از خاک تبدیل شد . بیرجند ، تربت حیدریه ، قاین ، محولات ، خواف و بسیاری از جاهای دیگر آسیب فراوان دید . از آن بدتر که در این واقعه جانگداز لااقل ده هزار نفر کشته شدند و صد هزار نفر عزادار گردیدند !

ای زلزله ابناء وطن را کشتی
از پیر و جوان و مرد و زن را کشتی
نام تو ز صفحه جهان بادامحو
زانروی که ده هزار تن را کشتی

من نمیدانم شاعران با احساسی که اگر در اقصی نقاط افریقا و امریکا کسی در مبارزات سیاسی یا اجتماعی بمیرد یا کشته شود شعرها میسرایند و نوحه‌ها سر میدهند چرا در باره مصیبت هموطنان ماتم زده خود دم فرو بستند ؟

مگر برای يك شاعر حساس مصیبت بالاتر از این هم میشود که عده کثیری از هموطنان بیگناهشان غرق در خاك و خون گردند ؟

اگر يك شاعر حقیقی در چنین موقعی احساس همدردی و اندوه نکند پس چگونه شاعر است ؟

او اگر امروز بدرد هم‌میهنان ماتم زده نرسد و مردم را بكمك آنها نخواند و قلوب داغدار آنها را تسلیت ندهد پس کی و کجا میخواهد وظیفه خود را نسبت باجتماع و میهن عزیز که او را بزرگ کرده و پرورش داده است ادا نماید ؟

من که يك شاعر خراسانی هستم و طبعاً بیشتر از شعرای دیگر به آن آب و خاك انس و الفت دارم در این فاجعه عظیم چند قطعه شعر در موارد مختلف ساختم که در جراید و مجلات معروف بچاپ رسید و از رادیو و تلویزیون نیز پخش گردید.

اگرچه عده‌ای همین را نیز بر من ایراد گرفتند که چرا زیاد شعر گفته‌ام ولی من وقتی چنین مصیبت بزرگی را احساس میکنم نمیتوانم شعر جاسوزی نسرایم ، همانطوریکه وقتی عواطف عالیّه و عنایات بیکران شاهنشاه آریا مهر و شهبانوی محبوب را نسبت بزلزله زدگان بچشم میبینم، نمیتوانم خاموش بنشینم.

در این واقعه دولت و ملت دست بدست هم دادند و بیدریغ دلسوزی و کمک کردند . این همت درخشان و همدردی بی نظیر مردم نسبت به زلزله زدگان چیزی نیست که فراموش شود . مردم وقتی شاه و شهبانوی خود را در میان زلزله زدگان دیدند ، رئیس دولت ، وزیر دربار ، عده‌ای از وزراء ، و کلا ، استاندار ، مدیر عامل جمعیت شیر خورشید سرخ ، ارتشیان غیور ، نمایندگان بانکها و وزارت آبادانی و مسکن ، مامورین دولت ، بسیاری از مردان و زنان نیکوکار و بانوان پرستار را در مناطق زلزله زده مشغول کمک و چاره جوئی دیدند به ندای شاهنشاه محبوب خود از دل و جان پاسخ مثبت دادند .

این بود که در روز مخصوص «كمك» تمام ملت ایران بجنب و جوش آمد و از بزرگ و كوچك ، فقیر و غنی آنچه توانست به زلزله زدگان كمك نمود .

زنی ناشناس يك میلیون ریال هدیه کرد و کودکی بینوا يك ریال موجودی خود را^۱ نثار نمود . راننده تاکسی لباس تن خود را و بیوه زن خانه دار لوازم آشپزی خویش را^۲ تقدیم کرد .

اینجانب نیز که مانند سایر هموطنان عزیز بقدر وسع خود کمک مالی نموده‌ام چون غرق عواطف انسانی هم‌میهنان گرامی شده و از احساسات پرشور آنها دچار تأثر فراوان گشته‌ام، بنام يك شاعر خراسانی این چند قطعه شعر را به مصیبت زدگان عزیز تقدیم میکنم، باشد که تنی چند از مردم حساس را بتأمل بیشتر وادار نماید و تسلی خاطری برای بازماندگان آنها باشد.

چند باید از بد ایام غفلت داشتن
 غفلت از دست توانای طبیعت داشتن
 ناگهان با لرزشی ویران شود کاخ امید
 پس نباید تکید بر باغ و عسارت داشتن
 کمرانی‌های گیتی بر کسی پادار نیست
 بدکد رخلق حد' رحم و مروت داشتن



شاه در میان مردم



مردمی غرق وحشت و اندوه
که تبه ، روزگار خود بینند
دل آنها شود قرین امید
چون شه غمگسار خود بینند
در چنین روز های حادثه بار
شاه را در کنار خود بینند

همان روز که خبر شوم زلزله وحشت انگیز
خراسان را شنیدم در میان اشک و خون
این اشعار را ساختم و درجراید منتشر نمودم

مصیبت بزرگ

صدای ناله و فریاد جانگزای شما	بگوش ما رسد ای دوستان صدای شما
پراست صحنه گیتی زماجرای شما	زدود آه شما روی آسمان سیاه است
خراب گشت بیک لحظه خانه های شما	گرفت زلزله سر تا سر خراسان را
شدند کشته که جان و دلم فدای شما	هزارها زن و مرد و جوان و کودک و پیر
چنانکه سوخت دل سنک از برای شما	سپرده اید ب خاک سیه عزیزان را
ولی نبود چنین قهر و کین سزای شما	بشر ز قهر طبیعت نمی تواند درست
جهانیان بنشستند در عزای شما	غریو حادثه چون در جهان طنین افکند
بالای عام بود نی همین بالای شما	چنین بالا که شد امروز بر شما نازل
شکسته شد دل ما چون شکست پای شما	«چو آدمی همه اعضای یکدگر باشند»
چو خشک شد به دل خاک چشمه های شما	کنون ز دیده ما اشک و خون روان باشد
بیايد آنکه بکوشیم در بقای شما	به تسلیت نتوان چاره مصیبت کرد

كمك نمود و پزشك و دوا فراهم كرد كنيم سعي كه تأمين شود غذای شما
توهموطن كه دچار چنین بلیه شدی بود تمام جهان درد آشنای شما
تراست پشت و پناهی بزرگ در عالم بود بفكر شما شاه و پیشوای شما
همین نه دولت و ملت ترامددكاراست كه مرد وزن طالبد ازخدا شفای شما

دعا كنيم كه گیرید زندگی ازسر
نگاهد از شما «حضرت رضای» شما



زلزله در خراسان ویرانیهای بسیار آورد
ولی مقدم خجسته شاهنشاه آریا مهر و
شهبانو مهر بان دلهای داغدار مصیبت-
زدگان را آبادانی بخشید

به زلزله زدگان بنوای خراسان

ای بر فلک رسیده ز غم ، دود آه تو
روی جهان سیاه ز روز سیاه تو
از دست داده ای سرو سامان خویش را
آتش بجان ما زده برق نگاه تو
امید و آرزوی تو یکسر ب خاک رفت
تا پایمال زلزله شد جایگاه تو
آری مصیبت تو بزرگ است و بی حساب
زیرا نبوده هیچ ، بگیتی گناه تو
اما اگر فلک بتو اینسان ستم نمود
بنگر که ملتی است کنون داد خواه تو
ایرانیان زمرد وزن و پیرو نو جوان
دادند مال و جان گرامی برای تو
آمد پی نجات تو با لطف بیکران
بر خانه خرابه تو پادشاه تو
دستور داد تا بتو مردم کمک کنند
باشد تمام ملت ایران سپاه تو



شهبانوی گرامی حساس مهربان
از فرط غم گریست بحال تباه تو
واز خون پاك خویش ترا داد هدیدای
یعنی منم زجان و دل حرد پناه تو
امید ، تا ز چهره بشوئی غبار غم
تأمین کنند دولت و ملت رفاه تو
در پرتو «رضا» ز تو رفع خطر شود
واز پیشتر دیار تو آبادتر شود

در زلزله خراسان همه طبقات مردم از فقیر
و غنی کمک نمودند حتی اطفال كوچك
هم قلك خود را شكستند و عروسك خود
را هدیه نمودند.

همردی غطیم

ای کودکی که بر تو طبیعت جفا نمود
ناگه ترا دچار عذاب و بلا نمود
از دست داده ای پدر مهربان خویش
با رنج بیکی فلکت آشنا نمود
در خاک تیره خفت ترا مادر عزیز
عیش ترا بموسم شادی عزا نمود
دانم مصیبت تو بزرگ است و جانگداز
چون گل تو را از شاخه ، طبیعت جدا نمود
اما ببین که هموطن غمگسار تو
ای نور دیده بهر تو اکنون چها نمود؟
پیر و جوان و مرد و زن و كوچك و بزرگ
جان و تن از برای نجات فدا نمود
الحق که هر کسی ز عزیزان هموطن
حق تو در برابر وجدان ادا نمود
گر خانه ات خراب شد از جور روزگار
بس دست مهر، خانه برای بنا نمود
يك كودك از برای تو قلك شكسته است
وان دیگری عروسك خود را عطا نمود
راننده ای لباس تن خویش هدیه داد
درمانده ای نثار تو پول دوا نمود

بهر بقای تو همه ایران قیام کرد
غمخواری از برای تو شاه و گدا نمود
گر سرپرست خویشتن از دست داده‌ای
غم نیست زانکه چاره دردت خدا نمود







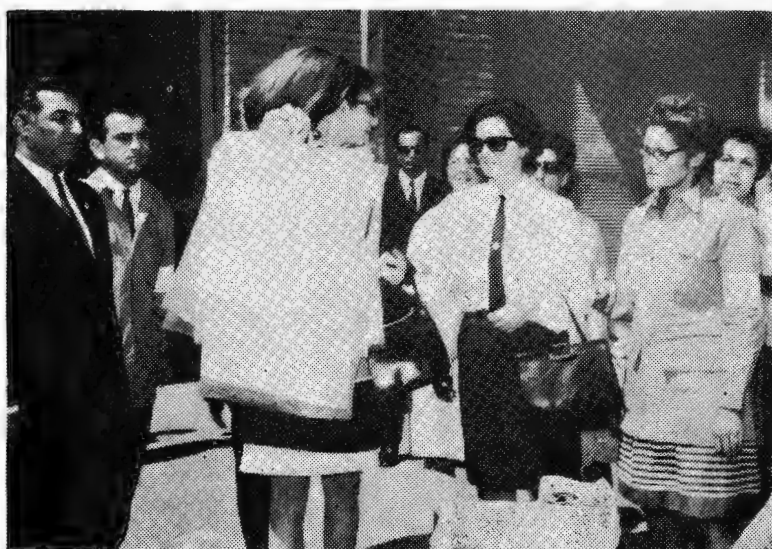
در روز مخصوص کمک، باکسب الهام
از بیانات شاهنشاه آریا مهرسروده
شد و همان روز از رادیو پخش گردید

کمک کنید

ای نوعپروران بخراسان کمک کنید
آنجا که کرده زلزله ویران کمک کنید
در زیر خاک رفت هزاران هزارتن
بر بیکسان، بجان عزیزان کمک کنید
گوش فلک پر است ز فریاد جانخراش
بر مردم گرسند و عریان کمک کنید
طفل یتیم و بیوه زن داغدار را
با اشتیاق و مهر فراوان کمک کنید
«فردوس» و «کاخک» نیست بغیر از خرابه ای
بر آن خرابه از ره احسان کمک کنید
«دشت بیاض» گشته مبدل به دشت خون
بهر خدا بمردم گریان کمک کنید
مر «تربت» و «طبس» به ترحم نظاره ای
بر خلق مستمند پریشان کمک کنید

« قاین » خراب گشته و « خضری » خرابتر
بر « بیرجند » و « خواف » و « سرایان » کمک کنید
این مردم بلا کش آسیب دیده را
گیرند تا زن و سر و سامان کمک کنید







بعد از صدور فرمان کمک از طرف
شاهنشاه آریامهر، زنی بدون اینکه نام
خود را فاش کند صد هزار تومان برای
زلزله زدگان خراسان پرداخت .

همت عالی یک زن ناشناس

شنیده ام که زنی صد هزار تومان داد
برای زلزله موخش خراسان داد
چو دید مشرق ایران خراب و ویران شد
بزیر خاک ، هزاران هزارتن ، جان داد
بحال هموطن خود دلش بدرد آمد
به او بهای خوراک و لباس و درمان داد
نگفت نام خود آن ناشناس نیکو کار
که این عطیه نه از بهر نام و عنوان داد
روا بود که مروت از او بیاموزیم
که نقد خویش براه نجات انسان داد

افسران و سپاهیان غیور در واقعه زلزله
نهایت جانفشانی و فداکاری را نشان دادند.

سپاهیان غیور

آفرین بر تو افسر بی باک بازویت آهنین و قلبت پاک
ای که در راه خدمت مبین بوده همواره چابک و چالاک
دامن سعی بر کمر بستی با دل تنگ و دیده نمناک
تا بلا دیدگان زلزله را بر کشتی با مشقت از دل خاک
آفرین بر تو ای سپاهی شاه
آفرین بر تو افسر بی باک

در باشگاه های لاینز (شیرمردان) مبالغ زیادی
برای کمک بزلزله زدگان خراسان جمع آوری گردید

یاری شیران



گر که این زلزله در خاک خراسان دیدیم
خانه خویش از این واقعه ویران دیدیم
شکر الله که بسی نیکی و احسان دیدیم
بر مصیبت زدگان یاری شیران دیدیم

شیر آنست که بی باک و جوانمرد بود
دلش از رنج مصیبت زده پر درد بود





بمناسبت احساسات پر شوری که
هم میهنان عزیز نسبت به زلزله
زدگان خراسان ابراز داشته اند

آفرین بر احساسات پر شور هم میهنان عزیز

آفرین بر مردم پر شور ایران آفرین
صاحبان قلب پاک و رحم و ایمن آفرین
مشرق ایران اگر شد پایمال زلزله
کرده جان و مال خود وقف خراسان آفرین
تا شود ترمیم آثار خرابی های آن
بس کمک ها کرده بر خلق پریشان آفرین
گشت ثابت بر جهان کاین ملک ملکی زنده است
ملت ما راست احساس فراوان آفرین
از زن و مرد و جوان و کودک و پیر نزار
جمله با هم نمود خود کردید احسان آفرین
ثبت تاریخ است نزد مردم ایران زمین
این کمک های بزرگ فاش و پنهان آفرین
از دل و جان گوش کردید ای عزیزان وطن
امر شاهنشاه و شهبانوی ایران ، آفرین

بایست بر حمایت این بکیمان شتافت
ای مردم شریف آبانان محکم کنید



بانو لیلا هویدا در روز جمع آوری اعانه برای زلزله زدگان

تلخ و شیرین

بطوریکه در مقدمه کتاب ذکر شد متأسفانه امسال خشم و قهر طبیعت با تمام شدت وحدت خود شامل کشور عزیز ما گردید .

از یکطرف زلزله‌های وحشتناک ، از طرف دیگر سیل خروشان و از همه مهمتر سرمای شدید و برف و باران بیحساب ، مصائب بیشماری را بیار آورد . چه باید کرد انسان با تمام قوت و قدرت خود باز در مقابل خشم طبیعت ناتوان است . از اینرو از قدیم الایام نوع بشر روی نیاز بدرگاه خداوند متعال آورده و دفع بلا را از ذات پاك واجب‌الوجود خواستار شده است .

جهانرا بلندی و پستی توئی ندانم چه‌ای هرچه هستی توئی

اما باز همین مصائب ناگوار تازیانه عبرتی است برای بشر غافل که خوبی و نیکوکاری را در همه حال فراموش نکند و خدمت به هم‌نوعان را از یاد نبرد .

از آنجا که ارزش واقعی اشخاص و مثل در مقابله با حوادث ناگوار معلوم میشود باید از عاقلان و افتخار کرده بحمد الله هم‌وطنان عزیز ما ، در کمک بزلزله زدگان امتحان خوبی از جوانمردی و همدردی دادند و روسفید از بوته آزمایش بیرون آمدند .

اندر بالای سخت پدید آید فر و بزرگواری و سالاری

ما بچشم خود دیدیم گذشته از کمکهای بسیار گرانبهای مقامات عالیه کلیه مأمورین دولت اعم از کشوری و لشکری حقوق یکماهه خود را با طیب خاطر برای کمک بزلزله زدگان پرداخت کرده در اختیار شیرو خورشید سرخ گذاشتند .

مؤسسات ملی و دولتی حداکثر مساعدت را نمودند، تنها شرکت ملی نفت ایران و شرکتها و مؤسسات وابسته بآن قریب شصت میلیون ریال توسط آقای دکتر اقبال به زلزله زدگان کمک کردند . بانک ملی و بانک مرکزی مشترکاً هدایای کوچک مردم را بمبلغ پنج میلیون ریال خریداری نمودند ، بانک رهنی ایران ده میلیون ریال برای ساختمان خانه‌های آنها اختصاص داد ، سایر بانکها و سازمان برنامه هم مبالغ معتنا بهی کمک کردند ، علاوه بر اینها مالک همسایه و دور نیز کمکهای بسیار ذی‌قیمتی بعنوانین مختلف نمودند

الحق سیل کمک از در و دیوار از داخل و خارج، نقد و جنس، بسمت زلزله زدگان خراسان سرانیز و معلوم گردید که نه تنها کشور عزیز ما مورد علاقه شدید ما ایرانیان میباشد بلکه در دنیا هم مقام شایسته و ممتازی دارد .

البته بار مصیبت بسیار سنگین و دهشتناک بود ولی شهادت الهی همدردی و کمک هم بحد و فوراً انجام گرفت مخصوصاً ارتشیان و سپاهیان انقلاب حداکثر فداکاری را مبذول داشتند. مطبوعات، رادیو و تلویزیون نیز سهم بزرگی را در تهیه افکار مردم بعهد گرفته و شیر و خورشید سرخ را در راه پیشرفت امور خود یاری نمودند .

بدیهی است چنین فاجعه موحد و مصیبت بزرگی را فوراً نمیتوان علاج نمود زیرا مانند شخص بیماری میباشد که آنرا زودتر میافتد و کم کم صحت و سلامتی خود را باز میابد بهر حال با آنکه فصل، نامساعد و سرمای زمستان مانع بزرگی در امر ساختمان و خانه سازی بود، برای اینکه زلزله زدگان زودتر سرو سامانی پیدا کنند، عملیات نوسازی با سرعت هر چه تمامتر آغاز و در روز عید فطر که عید مبارک شیعیان است سرکار علیّه بانو فریده دیبا مادر گرامی شهبانوی ایران کلنگ نوسازی فردوس و گناباد را بزمین زدند. در این مراسم علاوه بر اینکه مقامات مسئول، مهندسین وزارت آبادانی و مسکن، نمایندگان بانک رهنی، ارباب مطبوعات، عده زیادی از مردم نیکوکار و اهل محل حضور یافته بودند، سفیر دولت پادشاهی هلند و سفیر دولت مغرب (مراکش) نیز از جهت کمکهای ساختمانی خود حضور پیدا کرده بودند، انشاء الله تا چند ماه دیگر کار نوسازی بشمر خواهد رسید، زلزله زدگان در خانه های راحت و تازه خود سکنی خواهند گرفت و زندگانی نوینی را آغاز خواهند نمود اما تا این خانه ها ساخته نشده و مردم سرو سامان واقعی نگرفته اند انتظار مصیبت زدگان و هموطنان عزیز آنستکه مقامات شیر و خورشید سرخ و مخصوصاً استانداری خراسان که نظارت مستقیم در این کار را بعهد دارند نهایت توجه و مراقبت را معمول دارند که خدا نکرده مصائب دیگری رخ ننماید با همه این مشکلات امیدواری کامل حاصل است که بیاری خداوند متعال بقول حافظ شیراز

یوسف گم گشته باز آید بکنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

این اشعار در روز عید فطر ۱۳۴۷ در مراسم آغاز نوسازی فردوس و گناباد
با حضور سرکار علیه فریده دیبا مادر گرامی علیا حضرت شهبانوی ایران ،
وزیر آبادانی و مسکن ، مدیر عامل شیر و خورشید سرخ ایران و عده کثیری
از نیکوکاران و اهالی محل قرائت گردید .

روزگار نو

عید چو آمد امید بر اثر آید
روز نو و روزگار تازه تر آید
دور جهان پایدار نیست بیک حال
دردی هر شام تیره ای سحر آید
خانه ما شد اگر ز حادثه ویران
خانه خدا را بسوی ما نظر آید
اشک یتیمان درون دیده بخشکد
دست کریمان ز آستین بدر آید
از دل ویرانه های «خضری» و «فردوس»
کاخ نوی چون بهشت جلوه گر آید
مهر درخشان بر این خرابه بتابد
ابر سیه را زمانه سفر آید
خده شیرین بجای گریه نشیند
دوره اندوه ورنج و غم بسر آید

« بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر
بار دگر روزگار چون شکر آید »



ایکه تورا خانه شد ز زلزله ویران
چند نشینی دژم زمحت و حرمان
دیده گشا تا بچشم خویش بینی
بهر تو سازند خانه های فراوان
دوره چادر نشینیت بسر آید
زود بگیری بشهر خود سر و سامان
با مدد عزم شهریار توانا
با کرم و لطف شاهبانوی ایران
بر زبر این خرابه های غم انگیز
کاخ نوینی اساس یابد و بنیان
آمده بر سوی تو «فریده دیبا»
آنکه بود «مادری نمونه» بدوران
تا که برای تو، پی نهند بنائی
مایه آبادی دیار خراسان
«مژده که دیگر زمان غم بسر آید
بر اثر صبر نوبت ظفر آید»



سرکار علیه بانو فریده دیبا هنگام بازدید از مناطق زلزله زده
جزوه «ناله‌ای بر ویرانه‌های خراسان» را در دست دارند



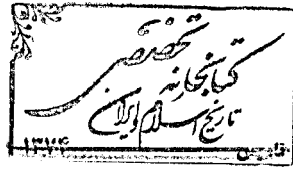
سراینده اشعار (ابراهیم صهبّا) هنگام خواندن چکامه «روزگار نو»



سفرای هلند ودوات مغرب (مراکش) در حضور سرکار علییه بانو فریده دیبا



رئیس بانک رهنی و شیرخورشید خراسان توضیح میدهد



بنای مهر

ایدوستان رواست کد جهدی عیان کنیم
فکری برای مردم بی خانمان کنم
آن را کد نیست مسکن و مأوای زبدهی
او را زرها زرنج و غم بیکران کنیم
هر مرغ را بود بجهان آشیانه ای
ما نیز فکر مردم بی آشیان کنیم
تا چند بهر خویش بخواهیم خلق را
چندی خیال راحتی دیگران کنیم
آن به بنای مهر و صفا نیک بی نهیم
تا قلب پاک هموطنان شادمان کنیم

دوران انقلاب سفید شهنشه است
باید که پیروی زشه مهربان کنیم



در بازدید علیاحضرت شهبانو از مناطق زلزله زده بانو ملك تاج علم
و تیمسار سپهبد شفقت فرمانده ارتش دوم نیز افتخار حضور دارند .



جناب آقای هویدا نقشه ساختمانهای جدید وزارت آبادانی ومسکن را
که برای زلزله زدگان ساخته می شود بررسی مینمایند



این کودکان که گلبن گلزار خاقت اند
چون شاخ تازه تشنه مهر و محبت اند





دروود به مہوطنان و وظیفہ شناس



دروود باد بر ایرانیان ، درود و سپاس
که جاودان زید این ملت وظیفہ شناس
به روز حادثہ داد امتحان ہمدردی
کہ در زمانہ مبیناد محنت و افلاس
بلای زلزلہ گر بر سرش فرود آمد
نکرد سستی و اہمال و غفلت و وسواس
شتافت سوی بلا دیدگان بدون درنگ
نمودہدیہ بہ بیچارگان خوراک و لباس
فراشت در دہ مخرو بہ خیمہ و خرگاہ
فکند بہر ستمدیدگان گلیم و پلاس
نہاد مرہم زخم بلا کش رنجوز
ستر د اشک یتیمی کہ کردہ است ہراس

نمود رفیع بلا در پناه کوشش و کار
اگرچه بود مصیبت فزون زحد و قیاس
به چون توهموطنی افتخارها ما راست
که از توخانه ویران دوباره یافت اساس

چوپاسدار دل دلشکستگان باشی
ترا خدای جهان در زمانه دارد پاس



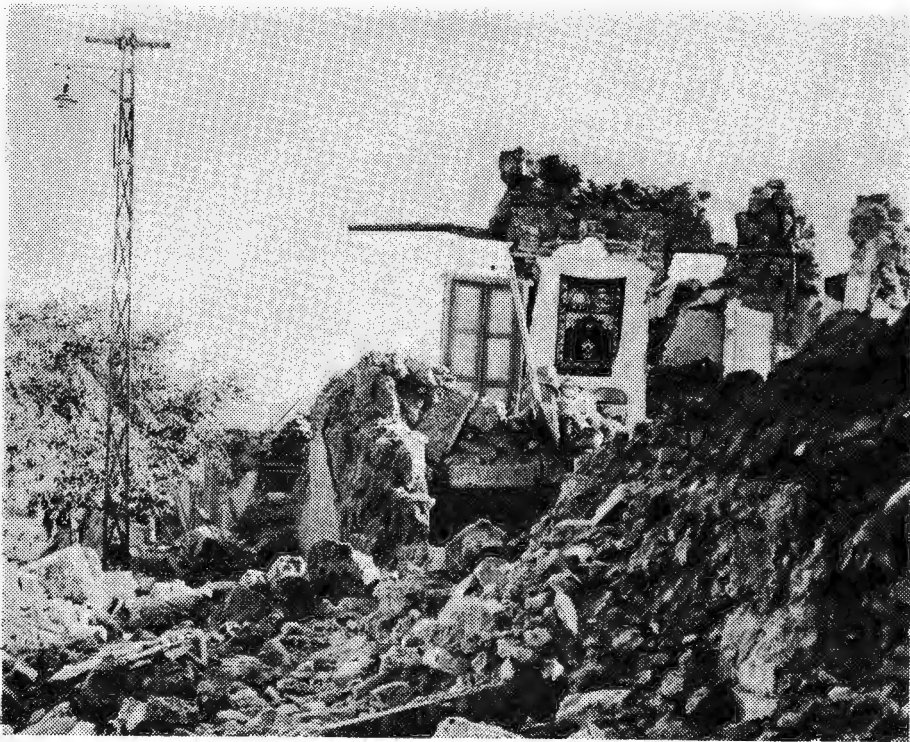
بمناسبت عروسی چند دختر و پسر
در نواحی زلزله زده خراسان .

جشنی درون خانه ویران

ای رنجدیدگان که زنوجان گرفته اید
با عشق پاک دامن جانان گرفته اید
شیرین نموده کام خود از شربت وصال
عبرت ز نامرادی یاران گرفته اید
چون دیده اید دور فلک پایدار نیست
برخویش، زندگی خوش و آسان گرفته اید
در کلبه خراب عروسی بود صواب
زان، داد دل ز گردش دوران گرفته اید
از دل زدوده محنت و رنج زمانه را
جشنی درون خانه ویران گرفته اید
گر روزگار شهر شمارا خراب کرد
شکر خدا از نو سر و سامان گرفته اید

فرااموش مکن

من نگویم که دگر خواهش دل گوش مکن
ساغر از دست بتی ماه جبین نوش مکن
گویم این عمر گرانمایه بشادی گذران
از مصیبت زدگان نیز فرااموش مکن



به برادران مصیبت زده خراسان

پیام شاعرانه

ای برادر باید اکنون جهد بی پایان کنی
خانه خود را بسعی خویش آبادان کنی
گر طبیعت بر خراسان کرده ظلم بی حساب
قهر او را بسا تلاش خویشتن جبران کنی
نوبت کاراست دیگر وقت آه و ناله نیست
چند باید گریه بر کاشانه ویران کنی؟
حال با عزم نو و روح نو و کردار نو
بایدت از بهر خود فکر سر و سامان کنی
آستین را در ره سعی و عمل بالا زنی
فکر کار و زندگی با چهره‌ئی خندان کنی
بر تو گر صاحب‌دلان احسان و دلسوزی کنند
خویش هم در حق خود دلسوزی و احسان کنی
«دورنوسازی» چو شد آغاز، جهدی تازه کن
تا بسعی و کوشش خود کار را آسان کنی
دولت و ملت ترا گریا و ریها کرده‌اند
وقت آن باشد که خود هم همتی شایان کنی

در زمان انقلاب شاه و مردم بیدریغ
اقتدا بر شاه و بر شهیدانوی ایران کنی

متأسفانه امسال علاوه بر زلزله وحشتناك، سيل بنیان كن
هم در نقاط مختلف كشور خرابیهای بسیار بهار آورد

سيل و زلزله

گریستابر و جهان غرق اضطراب نمود
نصیب ما غم و اندوه بی حساب نمود
گرفت آب همه شهر و دشت و صحرا را
هر آنچه دید سر راه خود خراب نمود
صدای رعد بلرزانند کوه و هامون را
شگفت بین عمل توپ را سحاب نمود
ز چارسوی سرازیر گشت سيل بلا
هر آنچه زلزله با ما نکرد «آب» نمود
بخواب رفت شبانگاه مادر مسکین
بدین خیال که نو باوه را بخواب نمود
وليك صبح نماند از وجود او اثری
بین چگونه طبیعت و را عذاب نمود

بجد و جهد ره سيل چون توان بستن
روا بود که پی دفع آن شتاب نمود

بموجب پیام شاهنشاه آریامهر در واقعه زلزله خراسان
افسران و سپاهیان حداکثر تلاش و فداکاری را در راه
نجات مجروحین بعمل آوردند

فداکاری سپاهیان

تو ای سپاهی خدمتگزار شاه و وطن
خوشا بحال تو چون غرق افتخار شدی
به روز حادثه کردی بسی فداکاری
چنانکه درخور الطاف شهریار شدی
همیشه نام نکو از تو در جهان باقیست
که از پیام شهنشاه ، نامدار شدی





بانو خزیمه علم نایب رئیس جمعیت خیریه فرح پهلوی در حضور شهبانوی ایران

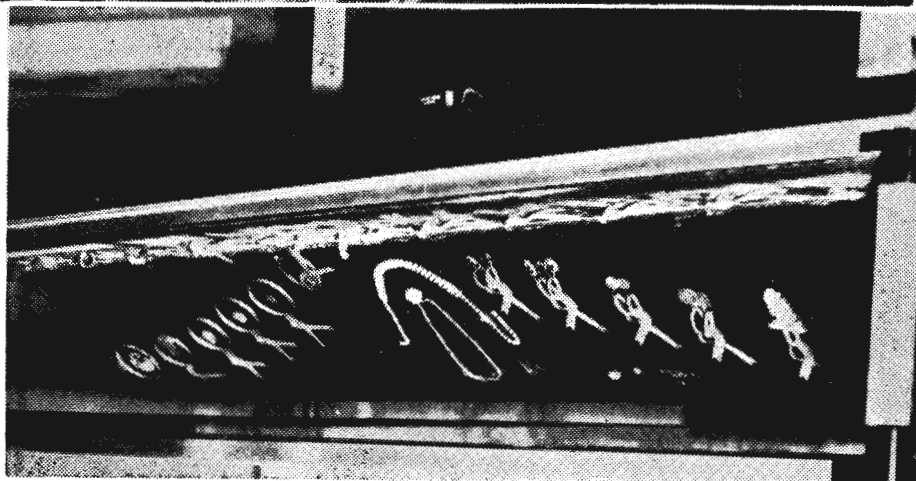
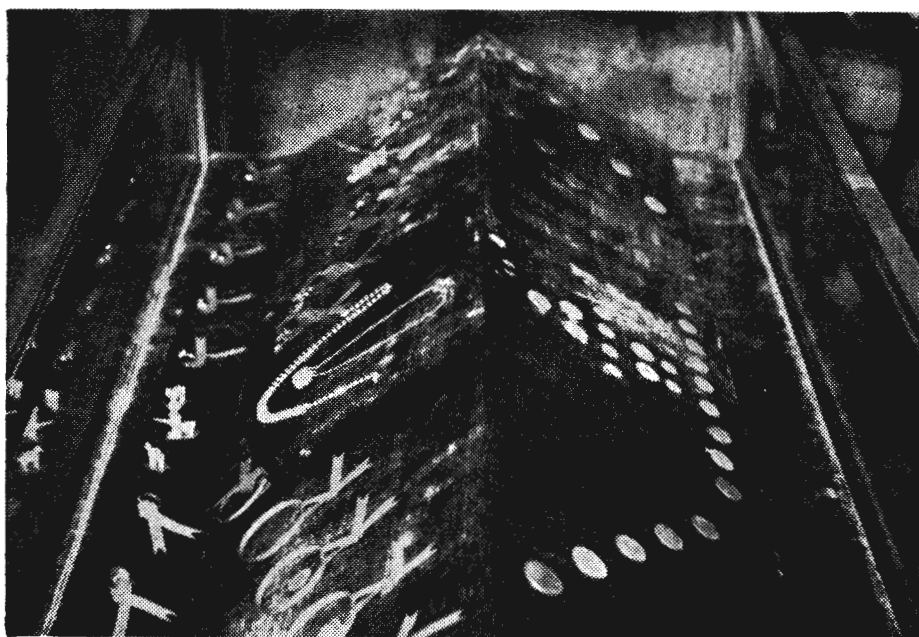


بانو دکتر پارسا وزیر آموزش و پرورش و عده از فرهنگیان در نواحی زلزله زده خراسان

در تالار بانک ملی ایران موزه کوچکی ازسکه ، گردن بند ، انگشتر وامثال آن وجود دارد که ازهدایای مردم نیکو کار برای زلزله زدگان جمع آوری شده است .
این هدیه ها ازطرف بانک ملی ومרכזی ایران بمبلغ گزافی خریداری ووجه آن بمصرف مخارج زلزله زدگان رسیده است .

موزه افشار

این هدیه ها که مظهر ایمان است
در نزد ما عزیزتر از جان است
ارزنده و نفیس و گرانقدر است
زیرا نشان پاکای وجدان است
این موزه ، افنخار وطن باشد
آئینه ای ز نیکی و احسان است
چون یادگار زلزله ای جانسوز
در شهر و روستای خراسان است
این سکه ها بزرگ وگر خرد است
دارای اعتبار فراوان است
گر سیم و زر وگر که مس وروی است
تابنده تر ز گوهر رخشان است
این دستبند و حلقه وگردن بند
از مردمان بی سر و سامان است
انگشتری که جلوه کند اینجا
از مادری فسرده و نالان است
این گوشواره ای که بچشم آید
از دختری فقیر و پریشان است



زینت فزای موزه بود « الله »
 « الله » چون بخلق نگهبان است
 این هدیه های مردم نیکوکار
 با هر بها خریده شد ارزان است

زیرا نشانه های وطنخواهی
 از قلب پاك ملت ایران است



ای خوش جان و دل افسرده ای را شاد کردن از برای بی پناهان مسکین بسیاد کردن
هست آسان خانه بیکاره ای ویران نمودن لیکن آن به با محبت خانه ای آباد کردن

یادآوری

اگرچه در صفحات قبل از سروران ، دانشمندان ، دوستان و علاقمندان برای محبت بی پایان و تشویق های فراوان آنها سپاسگزاری کردم و یاد آور شدم که این تقدیرهای بیشتر بخاطر همدردی با هموطنان مصیبت دیده و زلزله زده میباشد نه اشعار نارسای من اما برای اینکه هموطنان عزیز هم از مراحم بی شائبه آن بزرگواران مستحضر باشند و معلوم شود که آنها اگر خدمتی را در راه انسانیت و کمک به ممنوع شایسته بدانند از هیچگونه تشویق و تحسین فروگذار نمیکند . اینک باکمال مباحات و افتخار تعدادی از آن نامه ها را بچاپ می رسانم .

ازارباب محترم مطبوعات ، رادیو ، تلویزیون مخصوصاً روزنامه های گرامی استان خراسان و اولیاء محترم اداره اطلاعات و رادیو مشهد که در این سفر نسبت بمن محبت بی پایان رو داشتند و اشعار ناقابل را با ستایش فراوان انتشار دادند صمیمانه تشکر کرده ، توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت مینمایم . بقول حافظ لسان الغیب

از دم صبح ازل تا آخر شام ابد
دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود



سپاس بیکران

ای ادبخواهان کز این مجموعه تحسین کرده اید

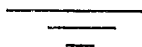
باع طبعم را پُر از گل‌های رنگین کرده اید

کام تنخ شاعری را در غم ویرانه ها

با کلام دلنشین خویش شیرین کرده اید

از شما دانشوران دارم سپاس بیکران

چون کتابم را بنام خویش تزیین کرده اید



دانشمند محترم و شاعر گرانمایه
جناب آقای ابراهیم صهبا

مرقومه مورخه ۴۷/۷/۱۸ بانضمام يك جلد از مجموعه اشعار بسیار نغز و شیوای « ناله ای بر ویرانه های خراسان » اثر طبع وقاد جنابعالی که بمناسبت سانحه دلخراش زلزله اخیر خراسان سروده اید عز وصول بخشید .
این مجموعه را که سرشار از شور و احساسات ملی است چند مرتبه خواندم و از مضامین عالی و بلند آن لذت بردم .
مزید سعادت و توفیق آن دوست ارجمند را در راه خدمات ملی و فرهنگی آرزومندم .

رئیس مجلس شورای ملی ایران

عبدالله ریاضی

شیر مرد ارجمند و شاعر گرانمایه آقای ابراهیم صهبا

جزوه چاپی « ناله‌ای بر ویرانه های خراسان » مشتمل بر اشعار نغز و شیوای سرکار را که بمناسبت فاجعه جانگداز زلزله خراسان سروده اید مطالعه نمودم . کلیه اشعار این جزوه مشحون از مضامین بشر دوستانه و مبین علائق میهنی و احساسات پاک ملی است که بدینوسیله از عواطف انسانی سرکار تقدیر و سپاسگزاری مینمایم . توفیق آن شیر مرد گرامی را در راه خدمات اجتماعی و انسانی از خداوند بزرگ مسئلت مینماید .

رئیس شورای عالی مناطق لاینز ایران

جعفر شریف امامی

دکتر منوچهر اقبال

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران

جناب آقای ابراهیم صهبا

يك نسخه از نشریه ناله‌ای بر ویرانه‌های خراسان واصل

و موجب کمال امتنان و تشکر گردید .

دکتر منوچهر اقبال



دانشمند محترم و سخنور گرامی
جناب آقای ابراهیم صهبا

جزوه (ناله ای بر ویرانه های خراسان) که نشانه ای بارز از طبع حساس و نکته سنج جنابعالی و منعکس کننده عظمت واقعه و نمونه ای از وحدت ملی مردم ایران در پیش آمدها و حوادث است مورد مطالعه قرار گرفت .
بدینوسیله مراتب سپاسگزاری و قدردانی خود را از انتشار این اثر برجسته باطلاع جنابعالی میرساند؛ توفیق بیش از پیش، شمارادر خدمت به شاهنشاه آریامهر معظم و وطن عزیز از خداوند مسئلت میدارد .

نصرت الله معینیان

جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران

جناب آقای ابراهیم صهباسراینده ارجمند

مرقومه مورخ ۱۸ مهرماه ۱۳۴۷ آن جناب همراه با دو یست جلد از مجموعه « ناله ای بر ویرانه های خراسان » عز وصول داد .
احساسات عالی و پاک جنابعالی که از خلال شعر ها و مضامین بجشم میخورد
مسلماً در تسکین آلام برادران و خواهران مصیبت دیده خراسانی تأثیر بسزا خواهد داشت
خواهشمند است مراتب تشکر و سپاس جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران را بمناسبت
همکاری و همدردی بپذیرید .

ارادتمند مدبر عامل دکتر خطیبی

جناب آقای ابراهیم صهبای شاعر ارجمند

اشعار نغزی را که برای کمک بزلزله‌زدگان خراسان با دلسوزی و علاقه
بیکرانی که نسبت به‌موطنان خود داشته‌اید سروده و برای انجمن قلم فرستاده بودید
که بشعبه‌های داخل و خارج این سازمان بین‌المللی فرستاده شود و برای جلب
کمک تمام صاحبان دل و وجدان به‌شعبه‌های انجمن فرستاده شد .
توفیق جنابعالی را از درگاه ایزد توانا خواستارم .

دبیرکل انجمن بین‌المللی قلم

زین العابدین رهنما

جناب آقای ابراهیم صهبا سخنور ارجمند ملی

دفتر نظام و نشر «ناله‌ای بر ویرانه‌های خراسان» نمونه‌ای ارزنده‌ایست
از اینکه جنابعالی از سخنوران پرمایه ملی کشور ایران هستید و هنگام
لزوم میتوانید عواطف همگان را در قالب زیبای نظم و نشر فارسی منعکس
بفرمائید. امیدوارم هنر سخنوری آنجناب در تألیف قلوب مردم بمنظور
اعتلای کشور همچنان آثار بزرگتری عرضه نماید.

رئیس دانشگاه تهران - پرفسور رضا

دوست ارجمند و سخنور گرامی آقای ابراهیم صهبا

نامه مورخه ۴۷/۱۱/۲۱ جنابعالی با انضمام يك نسخه از جزوه شیوا و نغز و دلنشینی که تحت عنوان « ناله ای برویرانه های خراسان » مرقوم داشته اید ، عز وصول بخشید .

این اثر بدیع نظم و نثر ، نمونه دیگری از طبع سرشار آن دوست گرامی است که اینجانب طی سالیان متمادی نمونه های متعدد آنرا دیده و میشناختم و همواره ستایشگر آن بودم .

از درگاه قادر متعال مزید توفیق جنابعالی را آرزومندم .

دکتر نهاوندی

رئیس دانشگاه پهلوی

وزارت جنگ

اداره روابط عمومی

جناب آقای صهبا سراینده گرانمایه ملی

دفتر سروده‌های شورانگیز شما بنام - ناله‌ای برویرانه‌های خراسان « که به پیشگاه خدایگان شاهنشاه آریامهر بزرگ ارشتاران و علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران تقدیم گردیده‌آوای رسائی است ازبیدادگری اندوه‌زای زمین لرزه خراسان که سرایندگان چیره دستی چون شما میتوانندگویای آن باشند » .

همانگونه که از سروده‌های شما برمیآید یاری دم میهنان گرامی بخـواهـران و برادران درد کشیده و زیان دیده‌ما در خراسان نموداری از یگانگی مردم این کشور و پیوند ناگسستنی شاه و مردم بویژه هنگام پیدایش هرگونه رویداد ناگوار میباشد . از خداوند بزرگ خواستارم که میهن ما را از گزند آسیب‌ها بدور نگه دارد و ما را در پیشبرد اندیشه‌های خردمندان و سازنده شاهنشاه آریامهر پیروز فرماید .

بهترین سپاسهای مرا بپذیرید . / ع

وزیر جنگ - سپهبد صنیعی



شاهنشاه آریا مهر در میان افسران در واقعه زلزله خراسان

استاد ارجمند و شاعر بلند پایه ملی جناب آقای ابراهیم صهبای

مجموعه نظم و نثر (ناله‌ای بر ویرانه‌های خراسان) که بمناسبت سانحه دلخراش زلزله اخیر خراسان بوسیله آنجناب به بهترین و مؤثرترین بیان منتشر شده حاکی از احساسات میهن دوستی و نوع پرستی جنابعالی میباشد .

اینجانب که خود خراسانی و ناظر جریان واقعه ناگوار بودم ، احساسات پاک و بشر دوستانه شما را ستوده ، توفیق روزافزون شما را در انجام خدمات ملی و اجتماعی آرزو مینمایم .

ارادتمند : جواد شهرستانی

شهرداری پایتخت



تبدیل شود هر بد ایام به خوب

در پر تو لطف شمع یار محبوب

از زلزله شرق و سیلاب جنوب

ز انیر و نبود هر اس دل مارا

بانك ملی ایران

مدیر کل

جناب آقای ابراهیم صهبا

مجموعه نظم و نثر تحت عنوان « ناله ای برویرانه های خراسان » که باطبع روان و صمیمیت و اخلاص ذاتی جنابعالی تهیه گردیده و انعکاس واقعی از احساسات و عواطف انسانی هم‌میهنان عزیز در مصیبت بزرگ زلزله خراسان میباشد زیب‌وصول بخشید و موجب نهایت خرسندی و امتنان گردید .

این شیوه خاص و دائمی جنابعالی است که باسرودن اشعار نغز و شیرین همدرا جلب و شیفته خود میفرمائید .

توفیق و سعادت آنجناب را در راه خدمت به شاهنشاه محبوب و میهن عزیز از درگاه احدیت مسئلت مینماید .

ارادتمند - خوش‌کیش

بانك رهنی ایران

هیئت مدیره

جناب آقای ابراهیم صهبای شاعر ارجمند ملی

مجموعه منظومه « نالدای برویرانه های خراسان » که پرتوی درخشان از آثار روح لطیف و احساسات عمیق شاعرانه آن استاد شعر و سخن است و بشرف قبول و تفقد شاهنشاه آریا مهر دانش پرور مباحی گردیده است دوستدار را بر آن داشت که با ابراز مراتب تحسین و تقدیر از تألیف این مجموعه گرانبها که تسلیت بخش خاطر زلزله زدگان و مصیبت دیدگان است توفیق روز افزون آن سخنور گرانقدر و دوست گرامی را در ادامه خدمات اجتماعی و میهنی از درگاه خداوند متعال آرزو نمایم .

ابوالحسن بهنیا

دوست گرامی و استاد دانشمند
جناب آقای ابراهیم صهبا

گرچه قلم ناتوان بنده عاجز است احساساتی
را که پس از قرائت اشعار دلپسند آنجناب بنام
«ناله‌ای برویرانه‌های خراسان» برایم پدید آمد بیان
نماید لا اقل باین وسیله مراتب تشکر و امتنان
اینجانب را از دریافت این اثر جاویدان بپذیرید .

ازادتمند- دکتر محسن ضیائی

رئیس دانشگاه مشهد

دوست بزرگوارم جناب آقای صهباشاعر ارزنده ملی ایران

با خوشوقتی و امتنان فراوان مجموعه اشعار نغز و شیوای آن دوست ارجمند گرانمایه را تحت عنوان «ناله‌ای برویرانه های خراسان» که بحق گویای راستین فاجعه عظیم و مصیبت بار جنوب خراسان و آئینه تمام نمای احساسات و عواطف انسانی هم میهنان عزیز و همچنین نشان دهنده رستاخیز بزرگشان دریاری فراوان به هم میهنان آسیب دیده بود دریافت داشتم و ضمن مطالعه دقیق آن بار دیگر صحنه های دلخراش و درعین حال غرور آمیزی که خود از نزدیک شاهد آن بوده ام در برابر دیدگانم مجسم گردید .

بدون شك تجلیلی که در مجموعه ارجدار خود از انجام وظیفه ما سربازان و خدمتگزاران فرموده اید بزرگترین و گرانبهارترین یاداش است .

ضمن سپاس مجدد از اینکه مخلص را با فرستادن چنین مجموعه نفیس و ارجداری مورد لطف قرار داده اید یکجلد از نشریه فصلی شماره ۳ لشکر خراسان را که شاید تاکنون بنظر تان نرسیده باشد و قسمتی از تلاشهای لشکر در راه کمک به آسیب دیدگان در آن منعکس گردید و قطعاً خاطر حساس و آزاده آن شاعر توانا و گرانقدر را خوشنود خواهد ساخت تقدیم میدارد و برای آن دوست بزرگوار توقیقات روزافزون در راه خدمتگزاری بشاهنشاه بزرگمان و ایران عزیزمان و جامعه ادب پرور کشورمان از سویدای دل آرزو میکنم . روزگار بکام باد .

ارادتمند سرلشکر مخاطب - رفیعی

نامه استاد عزیز بزرگوارم
علامه سید محمد فرزانه

حضرت ابراهیم صهبا بلبل خراسان

ناله ای را که از دل بیدار در فاجعه خراسان بر ویرانه های آن سامان بر آورده
و در ترانه ای چند ، چنانکه تنها تودانی و تو توانی ، بر اهل دل خوانده بودی
این بنده افسرده و بی دل نیز بر خواند و بسوخت.
از خدای بزرگ مسئلت دارم تا سالهای دراز بختیار و بزرگوار بمانی و همواره
مصیبت زدگان و بلا دیدگان را تسلی بخش و درماندگان و بیچارگان را پشتیبان
و اهل دل و دین را در کمک به آنان منادی حق و ملهم خیر و صواب باشی.

دوست دیرین و شیفته گفتار دلنشینت :

سید محمد فرزانه

نامه استاد عزیز ارجمندم
جناب آقای محمد علی منصف

صهباى عزیز

از موارد عدیده ای که طبع شیوای شما موجب تحسین و تفاخر من بوده یکی
همین مورد است که با عواطف سرشار انسانی و قدرت بیان بی مانند حال نزار و
ملالت بار همشهریان مصیبت دیده را به گوش و دید جهانیان رسانیداید .
چون این الفاظ و کلمات از قلبی پراز شور و احساس بشری تراوش کرده مسلماً
بر دلها نشسته زلزله زدگان را تسلیت و مصون ماندگان را داعی به خیر و خدمت
خواهد بود .
از خداوند بزرگ صمیمانه خواستارم قریحه تابناك شما مثل همیشه در خدمت
بشریت باشد .

قربان شما محمد علی منصف

دوست ارجمند و عزیز جناب آقای ابراهیم صهبا

مجموعه نظم و نثری که تحت عنوان « ناله‌ای بر ویرانه های خراسان » تهیه فرموده اید عز و صل بخشید . احساسات و عواطف انسانی شما در مورد خراسانی های مصیبت زده و همچنین نغزی اشعار که نشانه ای از طبع روان آن شاعر بلند قدر است هر دو قابل ستایش است . من هم بنوبه خود مزید توفیق آن دوست ارجمند را در انجام خدمات اجتماعی و همچنین اشاعه شعر و ادب فارسی آرزومندم .

سرپرست امور مالی و اداری دانشگاه تهران

محمد حسن گنجی

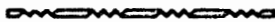
از بانو سلطنت احمدی مدیره فاضل
دانشسرای دختران و دبیرستان شوکتی

« هدیه مور »

ای شاعر زبده توانا	وی «در خلعت شعر» بر تو زیبا
قلب تو همیشه باد شادان	بخت تو بلند و نطق، گویا
شعر تو همواره دلنشین است	در جمع سخنوران دانا
لیک آنچه برای مستمندان	گفتی و بدوستان شد اهدا
وصفش بزبان نیاید از من	تا بر شمرم سپاس آن را



دیدی که چگوننه دست تقدیر؟	بنمود جفا و ظلم بر ما !
لرزید زمین و گشت نابود	آثار حیات و ماند صحرا !
شد جمله قلوب، زار و غمگین	افسرده و سوگوار ، دنیا
از جانب شاه و شاهبانو	فرمان بسیج گشت امضا
زین سوی روان، قوای ملت	زان سوی دگر چه کاروانها !
اشک از رخ کودکان زدودند	گشتند چو مستقر در آنجا
با همت مردم نکو کار	مجروح و مریض شد مداوا
از یمن قدوم آریا مهر	محنت زدگان زغم مبرا



« صهبای » عزیز ما دگر بار	شد غنچه طبع وی شکوفا
از خشم طبیعت ستمگر	گشتی تو نثرند و ناشکیبا
اشعار تو قلبها برانگیخت	کز بهر کمک شدند کوشا
احساس تو در خورستایش	افکار تو کم نظیر و شیوا
با شاعر ارجمند شیراز	هستم ز صمیم دل هم آوا

« تبا باد خدای باد یارت »

« جز عیش مباد هیچ کارت »

نامه جناب آقای دکتر محمد خزائلی
نابغه روشندل ایران

جناب آقای ابراهیم صهبا سراینده گرانمایه و توانا

احتراماً مطالعه جزوه حاوی چکامه هائی که در باره زلزله های مداوم چند ماه اخیر خراسان سروده بودید ، مخلص را وادار به تمجید و تحسین فراوان ساخت و بر طبع سرشار سرکار ، هزاران بار آفرین گفتم . آری ، شاعر بمفهوم وسیع کلمه انسانی هنرمندی است سرشار از احساس که در جهان آدمیت دارای ادراک دقیق و ژرف بینی خاص باشد و بتواند مجموعه مدرکات خود را که با فروغ قریحه شاعرانه دریافته است در صحنه فصاحت و بلاغت « شعر » نیکو ترسیم کند و آن استاد عزیز ، در این زمینه به حد اعلای قدرت و سلاست ، همراه با آب و رنگ انسان دوستی و وطن پرستی از عهده برآمده است .

یکی از بلاهای آسمانی که گاه با کمال تأسف گریبانگیر آدمیزادگان میشود « زلزله » است ، نه تنها در سرزمین ما ، بلکه در کلیه نقاط جهان ، چنین رویدادی موحش ، سابقه دیرینه دارد و شاعران و نویسندگان حساس هر دیار را در این باره بسرودن چکامه ها و نگارش نوشته های بسیار واداشته است .

در این نهیب حادثه هیچگاه سخنوران توانا ، سکوت جایز نشمرده اند . زیرا « جان سخن » آن بوده است که لطمه یی به « جهان آدمیت » وارد آمده و قلوب هنرمندان را طبعاً بیش از دیگران جریحه دار ساخته است .

ولی ، من آنچه چکامه ، درباره « زلزله » بخاطر دارم و شنیده ام ، غالباً حالت وصفی دارد و شومی ویرانی ها را در قلم آورده اند ، حتی گاه « زلزله » را خشم خدا و طبیعت نسبت به گناهکاران تلقی کرده اند .

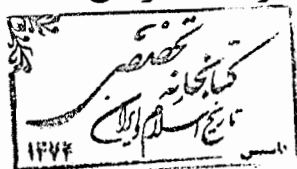
« قطران تبریزی » در باره زلزله ئی که به زمان وی در تبریز (۴۳۴ هجری) زوی داده است و یا « داوری شیرازی » نسبت به زلزله معروف فارس (سال ۱۲۷۵ هجری) هریک قصیده‌یی دارند که محور اصلی بیان آنها ، تنها آه و زاری و شکوه از بیداد طبیعت است . اما ، شمدوست ارجمند و شاعر گرانقدر که همواره با چهره‌یی امیدوار ، زندگی را در یافت کرده اید ، در باره زلزله های متوالی خراسان ، آنچه چکامه نغز و پر مغز سروده اید ، هریک دارای انگیزه و خاصیت بارزی است که عموماً هدفی انسانی را میپروراند .

مشاهده زلزله زدگان در محل ، دیدن هم آهنگی هم میهنان در مددکاری آنان بزرگترین انگیزه آن شاعر والا گهر بوده است و در حقیقت ، استاد خواسته است خاطر سایر هم میهنان را نیز در این سوك بزرگ آگاه سازد تا به نیکوکاران تاسی جویند .

نکته بزرگ و غرور آمیزی که مشوق سراینده گرامی ما بسرودن اینهمه چکامه بوده است مهرورزی و عنایات خاص شاهنشاه آریامهر و شهبانوی مهر پرور و والا حضرت شاهدخت نیکوکار شمس پهلوی به آسیب دیدگان بوده که خود را با نخستین وسیله به محل وقوع حادثات رسانده اند و از زلزله زدگان دلجویی فرموده و مقرر داشته اند تا خرابیها و آسیب یافتگیها معجلاً ترمیم و نوسازی شود .

حقاً جناب عالی در راه حق شناسی از عنایات شاهانه و مردم نیکوکار ، سخنگوی قاطبه ملت ایران قرار گرفته اید و بخوبی و توانایی ، با سخنان شیوا و بلیغ خود ، از عهده این مأموریت برآمده اید و دیگر هموطنان را نیز به کمک و یاری به آسیب دیدگان تشویق فرموده اید که بیگمان در هر دو مورد ، عنده الله مأجور خواهید بود . طولانی شدن این نامه را امید است ، تلاشی بر سپاسگویی از اقدام شاعرانه خویش و عظمت واقعه تلقی فرمائید که امیدوارم تا حدی حق مطلب را ادا کرده باشد .

ارادتمند دیرین دکتر محمد خزائی



انجمن ادبی حافظ
تهران

جناب آقای ابراهیم صهبا شاعر گرانمایه ایران

جزوه متضمن اشعاری که بر اثر واقعه زلزله سروده بودید (بنام ناله‌ای برویرانه های خراسان) باین انجمن رسید و دست بدست در میان حاضران گردید و مسورد مطالعه و استفاده اعضای انجمن حافظ قرار گرفت. صمیمیت و اخلاص آن شاعر عالیقدر در سرودن اشعار عمیق و نافذ مورد تحسین و تقدیر عموم اعضای انجمن قرار گرفت بدینوسیله مراتب تشکر خودشانرا به جنابعالی تقدیم و توفیق شمارا در ادامه خدمات ادبی و میهنی از خداوند آرزو مینمایند. ضمناً هیئت مدیره و اعضای انجمن در نظر دارند برای بزرگداشت شخصیت و تجلیل از خدمات ادبی شما دعوتی بعمل آورند تا علاقمندان از نزدیک با جنابعالی آشنا شوند خواهشمند است روزی را که تعیین میفرمائید با اطلاع انجمن برسانید که دعوت لازم بعمل آید ضمناً متمنی است تعداد بیشتری از آن جزوه‌ها برای کتابخانه انجمن ارسال فرمائید که در دسترس عموم قرار گیرد. با تقدیم احترام.

رئیس انجمن ادبی حافظ

سید ذبیح‌اله ملکپور

از شاعر شهیر حسین شاه زیدی

طبع گوهر فشان

صیبا ، درود باد به لطف بیان تو
صد آفرین به طبع سلیم و روان تو
لرزید مرز و بوم خراسان و لرزه ها
برجان و دل فتاد ز سحر بیان تو
از آنهمه چکامه پرشور و آتشین
شد آشکار برهمه ، سوز نهان تو
مهر وطن حکایت شیرین شعر تست
در هر کرانه شهره شده داستان تو
هر کس شنید چامه نغز تو را ستود
نازم به طبع نازک گوهر فشان تو

نامه جناب آقای سید محمود روحانی
نماینده فردوس در مجلس شورایی ملی

دوست عزیز دانشمند استاد ادب ابراهیم صهبای

پس از چهل و چند روز که از ماتمکده ویرانه « فردوس » از میان ضجه و ناله پیر و جوان و کودک پدر و مادر از دست داده ، مادر و پدر داغ دیده و خلاصه از آنجا که خاطرات گذشته و امید های آینده کن فیکون شده است به تهران بازگشتم در مجلس هدیه شمارا دادند .

از شما چه پنهان نوار مشکی که بر روی جلد آن دیدم سیل اشک از دیده فشاندم و قدرت خواندن ناله جانسوز دوست همدرد را نداشتم ، آنرا بخانه آوردم و درکنجی نهادم و مانند غم های درون نهفتم اما امروز صبح توانستم چند صفحه و قطعه از آن راقرائت کنم .

آفرین بر تو و احساس پاک تو که بهترین خاطره از خود بیادگار گذاشته ای .
آری دوست عزیز :

« کامرانی های گیتی بر کسی پادار نیست

به که بر خلق خدا رحم و مروت داشتن »

صهبای عزیز خواهش میکنم باز هم از این اشعار بگو ، چاپ کن و برای مصیبت زدگان و هموطنان بفرست که در روحیه آنها تأثیر کلی دارد .

خدای بزرگ نعمت سلامت شهنشاه و شهبانوی عزیز و رؤف را پایدار بدارد که الحق وجود پر برکت آنها موجب بزرگترین دلگرمی و تسلی خاطر ما ایرانیان می باشد .

ارادتمند سید محمود روحانی

نامه جناب آقای ابراهیم مدرسی نماینده
تربت حیدریه در مجلس شورای ملی

صه‌بای عزیز و شاعر ملی ایران

من از نزدیک شاهد مصیبت‌ها و رنج‌های زلزله‌زدگان بودم از این جهت
وقتی مجموعه « ناله‌ای بر ویرانه‌های خراسان » شما را خواندم که منعکس‌کننده
آلام درونی آنها و عواطف عالیه شاهنشاه آریامهر و شهبانوی مهربان بود فوق‌العاده
در من تأثیر بخشید . خداوند شما را موفق و مؤید بدارد .
الحق هموطنان عزیز همت کردند و کمال وطنپرستی را نشان دادند .
از این جزوه‌ها باز هم چاپ کن و برای مصیبت‌زدگان و دیگران بفرست زیرا
تسلی بخش خاطر غم‌دیدگان و مشوق کمک‌کنندگان میباشد .

ارادتمند ابراهیم مدرسی

شاعر گرانقدر جناب آقای ابراهیم صهبا

« ناله‌ای برویرانه‌های خراسان » تراوش طبع آن شاعر عالیقدر که بمناسبت حادثه جانگداز زلزله خراسان سروده شده عز وصول بخشید . الحق مصیبت بزرگی بود که قاطبه ملت ایران را سوگوار و داغدار ساخت و حتماً همچنانکه طبع و قادی « قطران » خاطره تلخ زلزله تبریز را که قریب هزار سال از آن حادثه دلسخراش میگذرد هنوز برای ما حفظ کرده است « ناله‌ای برویرانه‌های خراسان » نیز این خاطره تلخ و ناگوار را برای آیندگان محفوظ خواهد داشت . ممکن است بعضی چنین تصور کنند که حفظ خاطرات تلخ چه فایده‌ای دارد باید عرض کنم که حوادث و خاطرات زندگی خواه و ناخواه همیشه شیرین نیست و تاریخ نیز تلخ و شیرین زندگی اجتماعات را باهم ضبط میکند و در حفظ خاطره‌اینگونه حوادث بنظر من شعر خوب میتواند اثر عمیقی داشته باشد . اثر آن دوست بزرگوار در بیان فاجعه زلزله خراسان خصوصاً از آنجهت که در آن یادی نیز از فداکاریهای سپاهیان دانش و دیگر سربازان انقلاب سفید شاه و مردم بمیان آمده و از خدمات و یار و یاوریهای آنان با مردم مصیبت زده تجلیل شده است و باز دید شخص شاهنشاه آریامهر و شهبانوی گرامی از مناطق زلزله زده مایه اعجاب و شگفتی بیشتری برای آیندگان و سند گویائی « از همبستگی های ملت ما » برای آنان خواهد بود . توفیق جنابعالی را برای خدمت بعالم ادب فارسی همواره خواستار است .

مدیر کل سازمان سپاه دانش

والی زاده



شهبانوی مهربان از سپاهیان انقلاب
اظهار رضایت و قدردانی میفرمایند

نامه هنرمند ارزنده
حسینعلی ملاح

جناب آقای ابراهیم صهبا دوست عزیز دانشمند

« ناله ای برویرانه های خراسان » تو چون قطره اشکی است بظاهر خرد و در باطن چون اقیانوس ، حکایتی است از اندوه و ملال هنرمندی نازک دل از حادثای جانگداز ، ترا بخاطر نگارش و سرودن آن نثر و آن ابیات ستایش میکنم و از اینکه بیاد ما بوده ای و نسخه ای از آن را به بنده و همسرمرحمت فرموده ای سپاسگذاریم و توفیق آن دوست دانشمند و نازک دل پر احساس را از خداوند متعال خواستاریم .

ارادتمند حسینعلی ملاح

از بانو مریم حقیقه «بینا»
شاعره شیرین سخن بیرجندی

بآن خدمت بی تمنا درود

باستاد صهبای دانا درود	بآن نکته سنج توانا درود
باشعار نغزش که چون جام می	زداید غم از پیر و برنسا درود
بگنجینه شعر و همدردیش	که آرام بخشد بدلها درود
سخن از زمین لرزه کردی بیان	بر آن نطق گویای شیوا درود
زمین لرزه گر کرد بر ما جفا	به شاه و به شهبانوی ما درود
که آمد بدلاجوئی بی کسان	بآن موکب پر عطا یا درود
بسیل کمکهای اهل وطن	به همکاری خلق دنیا درود
بسر باز و افسر که شناختند	برای کمک دست ازپا درود
به نرس و طیبیان درد آشنا	بآن خدمت بی تمنا درود
بروح شهیدان در خون طپان	بتنهائی مانده بر جا درود
باشک یتیمان بی بال و پر	بنومیدی بیوه زنها درود
اگر کرد دست طبیعت ستم	بلطف خداوند یکتا درود

به نیکی و همدردی و مردمی
به شعر پر احساس «صهبایا» درود

نامه بانو پری آزما «سرپرستار»
همسر سرکار سروان «آزما»

جناب آقای صهبا شاعر گرانقدر ملی

محترماً اینجانب پری آزما سرپرستار مقیم بیرجند که در واقعه دلخراش زلزله اخیر منطقه جنوب خراسان حسب الوظیفه باتفاق شوهرم سروان آزما جزو اولین کسانی بودیم که بکمک مردم بلاذیده شتافته و تا آنجا که در قدرت داشتیم شب و روز مصدومین و مجروحین را با کمک اطبای اعزامی مورد مداوا قرار دادیم و بهمین مناسبت علاوه بر اینکه حضوراً مورد عنایت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر و علیاحضرت شهبانوی محبوب ایران واقع شدیم این افتخار بزرگ نیز برای اینجانب و شوهرم حاصل شد که در پیام مخصوص شاهنشا، آریا مهر مورد تفقد و مرحمت قرار گرفتیم . گرچه اینجانب خود را قابل نمیدانم که در مورد مجموعه (ناله‌ای بر ویرانه های خراسان) که در آن تمام صحنه های جانگداز و دلخراش و مصیبت های بیشمار مردم منطقه زلزله زده ناشر و نظم و با سبک خاص بیان شده و عکس هائی گویا نیز بنمیه آنها گراور و چاپ شده است اظهار نظر کنم فقط عرض مینمایم پس از مطالعه این اثر ارزنده وظیفه خود دانستم که مراتب تشکرات قلبی خویش را بآن جناب که این چنین صمیمانه برای منعکس کردن آلام مردم مصیبت دیده خراسان وقت عزیز خود را مصروف فرموده اید تقدیم نمایم .

امید است هموطنان از هر دسته و طبقه که مقدوراتشان اجازه میدهد بجنابعالی تأسی نموده بهر طریق که میتوانند خسارات ، خرابیها ، مصیبت های وارده به مردم خراسان را منعکس و جبران نمایند تا بدینوسیله مرهمی بر دل ریش آنها بگذارند .

با تقدیم احترامات فائقه

بیرجند - سرپرستار پری بیدختی (آزما)



تو ای مظهر پاکی و غمگساری
که در زندگانی فدا کار باشی
از این سرفرازی فزونتر چه خواهی؟
که غمخوار خلق و «پرستار» باشی

نامه‌ای از يك خراسانی مصیبت دیده

شاعر ملی ایران ابراهیم صهبا

من یکفرد مصیبت دیده هستم که جزوۀ « ناله ای بر ویرانه های خراسان »
شما را خواندم . من نویسنده نیستم که از شما تعریف کنم، شاعر هم نیستم که شعری
بگویم همینقدر میگویم خدا بشما پاداش نیک بدهد تا از این قبیل اشعار بگوئید و
برای ما بفرستید که حقاً مایه تسلی خاطر همه ما می باشد .

ح - مرادی

شعری از يك دانش آموز حساس

شاعر زمانه ما

آن شاعر پاکدل که صهبا باشد شعر و سخنش ورد زبانها باشد
گر زلزله کرد خانه ما ویران او موجب آرام دل ما باشد

ع . صالحی دانش آموز

این دو قطعه شعر اگرچه چندی پیش ساخته شده اما وصف الحال
مصیبت زدگانی میباشد که خانه ویران خود را رها نکردند

خانه مانوس

خواستم رخت از این خانه ویرانه کشم
ناله ها از در و دیوار بر آمد که مرو
مرغ دل در قفس لانه به تنگ آمده بود
از هوا نغمه مرغ سحر آمد که مرو
با دلم خشت و گل خانه سخن میگفتند
از زبان همه این حرف در آمد که مرو
مسکنی تازه دلم را بسوی خود میخواند
که ز همسایه مشفق خبر آمد که مرو
ناصحنی گفت در این خانه نشاید ماندن
طفل نازک دلم آسیمه سر آمد که مرو
مانده بودم که در این خانه بمانم یا نه
که بگوشم سخن رهگذر آمد که مرو

نروم گرچه بسی خانه به از این باشد
که بدین خانه مرا الفت دیرین باشد

خانه

خانه، ای مهد شادکامی من که شب و روز دیده گاه منی
باتو پیوند جاودانه مراست زانکه در زندگی پناه منی

☆☆☆

چون به خشت و گلت نگاه کنم بینم آثار رنج و راحت خویش
در و بامت بمن سخن گوید در تو جویم نشان زحمت خویش

☆☆☆

تلخکامی رود ز خاطر من کز توام خاطرات شیرین است
تازه گردد ز دیدنت جانم که مرا با تو انس دیرین است

☆☆☆

گر بروید بدامن تو گلی نزد من جلوۀ دگر دارد
منظر جانفزای ایوانت گوئیا از بهشت در دارد

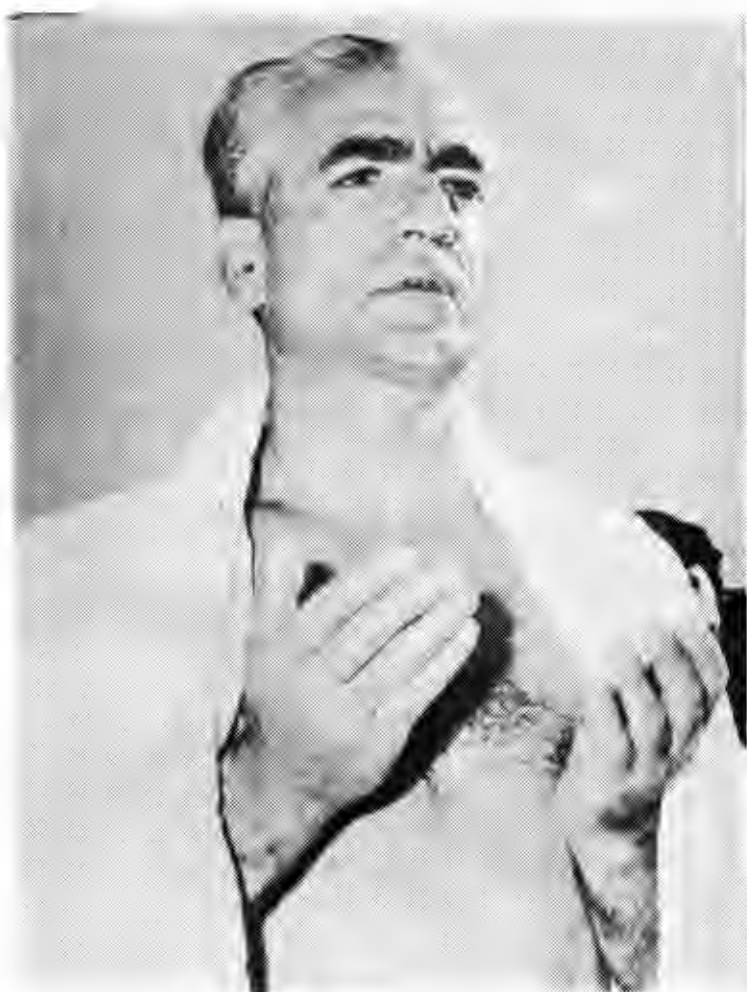
☆☆☆

کودکان با هزار شوق و شتاب در درون تو جست و خیز کنند
زین سبب تاجوان و پیر شوند یادت ای خانه عزیز کنند

☆☆☆

گر کیموتر برد بپام سپهر باز پابند آشیان باشد
لانه اش گر خس است و گر خاشاک بهر او به ز گلستان باشد

دعای شاه



نقشی از جلوه ایمان و صفای باشد

آریا مهر که در حال دعا میباشد

شه که آسایش مردم ز خدای طلبد

چشم و دست دل و سوی خدای باشد

نیایش بدرگاه خداوند

خدایا نگهدار ایران ما را
دیوار گرامی تر از جان ما را
نگهداشتی قرن‌ها از حوادث
تو این سرزمین نیاکان ما را
کنون هم مشو غافل از کشور ما
ببین روزگار پیریشان ما را
بچشم عنایت سوی ما نظر کن
ببفزای نیروی ایمان ما را
نگهدار ما را زخشم طبیعت
نما حفظ ، نام درخشان ما را

شهنشاه را شوکت جاودان ده
بهشت زمین کن تو ایران ما را

هموطنان عزیز نیکوکار الحق بزلزله زدگان خراسان
کمک بسیار کرده اند ولی هنوز آنها مستحق لطف
و منتظر کمک های بیشتری هستند .

کمک دریغ مدار

ز سر زمین خراسان کمک دریغ مدار
ز خلق بی سروسامان کمک دریغ مدار
تو ای که زاده این آب و خاک دلجوئی
ز ساکنان بیابان کمک دریغ مدار
هزارهazen و مردند باز خانه بدوش
ز مردمان پریشان کمک دریغ مدار
گذر به کلبه ویرانه یتیمان کن
در این بلیه ز آنان کمک دریغ مدار
گرفتم آنکه نمودی محبت بسیار
کنون هم از ره احسان کمک دریغ مدار
اگر که مرحمتی کرده ای به تابستان
بفصل برف و زمستان کمک دریغ مدار
دهد خدای جهان نیکی تو را پاداش
خدای را ، ز خراسان کمک دریغ مدار